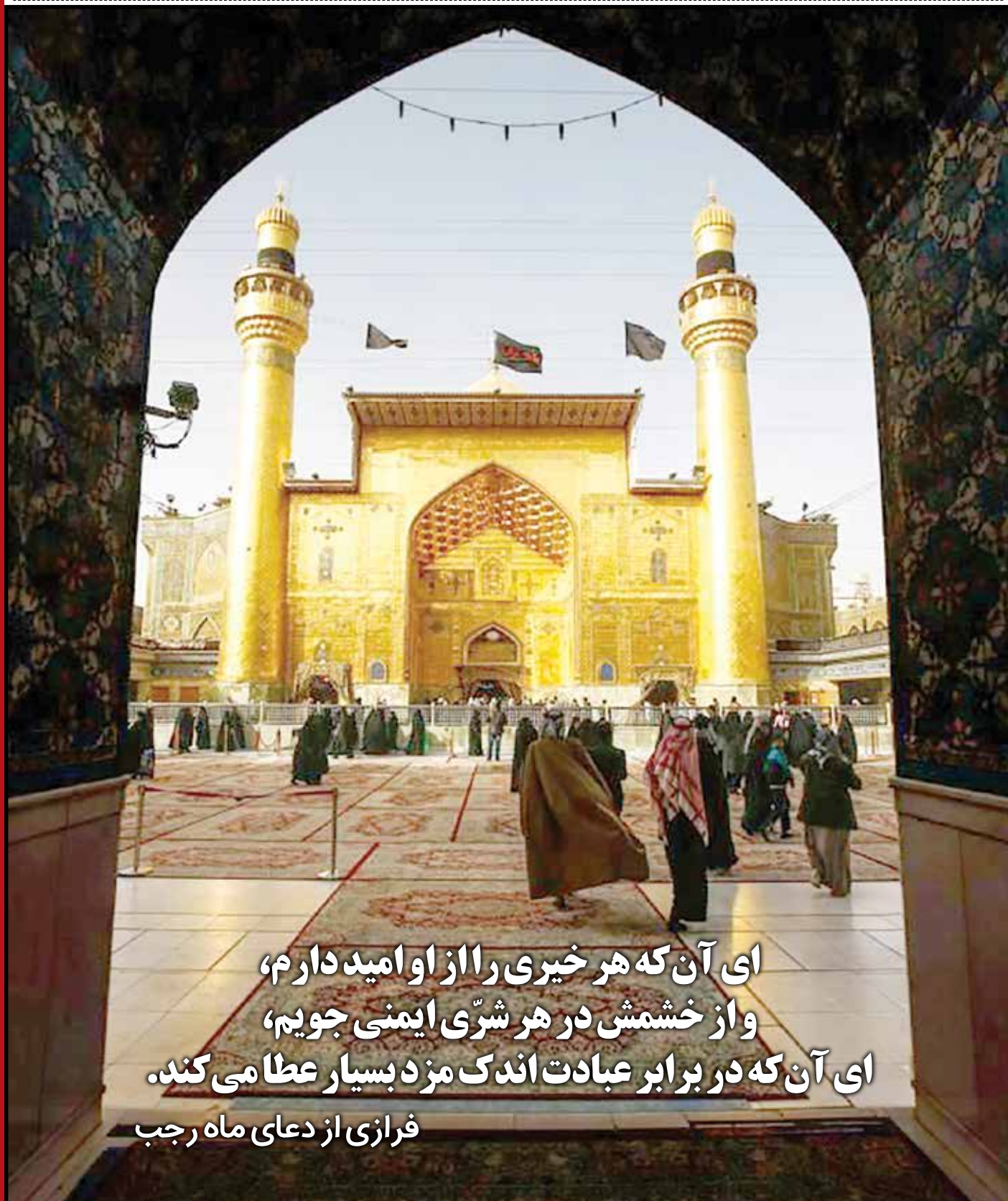


سیاسی و اجتماعی

- سال دوم ■
- شماره چهاردهم ■
- جمعه ۱ اسفندماه ۱۳۹۹ ■
- ۷ رجب ۱۴۴۲ - ۱۹ فوریه ۲۰۲۱ ■



مجله خبری تبیینی
افق تحلیل
O F O G H T A H L I L . I R



ای آن که هر خیری را از او امید دارم،
و از خشمش در هر شرّی ایمنی جویم،
ای آن که در برابر عبادت اندک مزد بسیار عطا می کند.
فرازی از دعای ماه رجب

فهرست

مجله خبری تبیینی افق تحلیل

- سخن سردبیر ۳
- حکومت رضاخانی ۴
- در مسیر مهندسی ۶
- معرفی فیلم؛ شنای پروانه ۷
- علی پدر بشریت ۸
- معرفی کتاب؛ طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن ۹
- حاشیه و مآدراک مالحاشیه ۱۰
- زنان در عصر معاصر ایران ۱۱
- به یاد معلم اخلاق ۱۳
- طلای سیاه؛ یادداشتی بر ملی شدن صنعت نفت ۱۴

O F O G H T A H L I L . I R

شناسنامه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیدعلیرضا تقدیری

مشاور مدیر مسئول: مصطفی ابراهیمی

ناظر علمی: داود مرادی

سردبیر: علی عسگری

مدیر داخلی: زهره صالحی

دبیر هیئت تحریریه: مبینا نجاری

اعضای هیئت تحریریه: امیرحسین آذری، علی عسگری،

سیدعلیرضا تقدیری، حمیرا نوری، مبینا نجاری، زهره صالحی

مدیر هنری: جمال دیدگر

گرافیک: نهاب

ارتباطات و رسانه: رجعت فتح

پشتیبان اپلیکیشن: کیوان قاسمی

پشتیبان سایت: کیوان قاسمی

تدوین، تیزر و موشن گرافیک: سیدعلیرضا تقدیری





علی عسگری
کارشناسی علوم سیاسی

سخن سردیر

بسم الله الرحمن الرحيم

در نگاه اول اسفند ماه مثل بقیه ماه های دیگر سال است با این تفاوت که از نیمه ی این ماه خود را برای سال جدید آماده می کنیم.

اما اسفند ماه یکی از ماه های سرنوشت ساز در تاریخ معاصر کشورمان می باشد، در سوم اسفند سال ۱۲۹۹ رضا خان با کمک سید ضیاء طباطبایی اقدام به کودتا و فتح تهران کرد، همین کودتا باعث اتفاقات بعدی در نظام سیاسی گردید، پس از چندی با نقش آفرینی مرموزانه و ناپیدای انگلستان و رای مجلس، سلسله قاجاریه منقرض و رضاخان به سلطنت رسید.

در سلطنت ۱۵ ساله رضا خان اقدامات ضد دین و ... به وقوع پیوست.

به چند نمونه آن به صورت فهرست وار اشاره می کنیم (۱. کشف حجاب - ۲. واگذاری امتیاز به کنسرسیون ها به سرپرستی انگلستان - ۳. واگذاری رشته کوه های آرات به ترکیه، واگذاری بخش زیادی از دشت سیستان به هند (آن زمان)، و سپردن کامل اروندرود به عراق)

در زمان پهلوی دوم در اسفند ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی به رهبری آیت اله کاشانی و بعد از ترور حاج علی رزم آرا (نخست وزیر وقت) که یکی از مخالفان سر سخت ملی شدن صنعت نفت بود، طرح ملی شدن صنعت نفت به صحن مجلس آمد و شرکت ملی نفت ایران، ملی اعلام شد و یک سرفصل جدید سیاسی و اقتصادی در ایران رقم خورد.

اسفند همیشه تاثیر گذار بوده، بعد از انقلاب اسلامی خط انحراف و فتنه در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ با سخنرانی ابوالحسن بنی صدر در دانشگاه تهران رونمایی و رسوا گردید و همین اتفاق باعث سلسله اقدامات سیاسی و امنیتی که نقش بسیار مهمی در سیاست ورزی کشور در آینده داشت.

اسفند در دفاع مقدس هم شهرت دارد در ماه اسفند سرداران عزیز همچون حمید باکری در ۶ اسفند، حاج حسین خرازی در ۸ اسفند، علی حاج امینی در ۱۰ اسفند، عبدالرسول زرین (تک تیرانداز برتر قرن) در ۱۱ اسفند، حاج محمد ابراهیم همت در ۱۷ اسفند، عبدالحسین بروسنی در ۲۳ اسفند، حاج عباس کریمی ۲۴ اسفند، حاج مهدی باکری و کاظم نجفی رستگار در ۲۵ اسفند به شهادت رسیدند یاد و خاطرشان گرامی و راهشان پر رهرو باد. همچنین اعیاد ماه رجب (ولادت امیرالمومنین علی (ع) و بعثت رسول گرامی اسلام را خدمت همراهان عزیز تبریک می گوئیم.

اکنون شماره چهاردهم نشریه افق تحلیل را مطالعه می کنید.

و من الله توفیق و علیه التکلان

حکومت رضاخانی

میثا نجاری کارشناسی علوم سیاسی

● کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹

زنان باید در معابر با روبند و محجبه باشند و زنان بدون حجاب به کلاتری می‌روند. این حکم حکومت سیدضیاء است که وزیر جنگش رضاخان در سال ۱۳۰۰ بود. ماموران شهر زنان بی حجاب را دستگیر کنند مراقب باشند چادر از سر کسی نیفتد. کسانی هم که مخالف بودند هم زندانی می‌کردند و هم شلاق زدن میزدند!

اما سال بعد ماجرا به طور کلی تغییر کرد. درست وقتی که رضاخان بر تخت سلطنت نشست حکمی کاملاً برعکس حکم قبل صادر شد.

ماموران نظمیه و شهربانی بودند زنان با حجاب را بگیرند و مواظب باشند شال بر روی سر کسی نباشد این چرخش حکم عجیب برای چه بود؟!

رضاخان در اسفند سال ۱۲۹۸ شمسی علیه نخست‌وزیر احمدشاه یا در اصل علیه سلسله قاجار کودتا کرد و با قشون کودتاوار تهران شد و وزیر جنگ دولت‌های بعد شد

سیاست رضاخانی بود که ابتدا با توسل به مظاهر دینی، اذهان عمومی را به خود جلب کرد.

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی را می‌توان نقطه عطفی در روابط ایران و انگلیس داشت. با این کودتا انگلستان موفق شد بدون حضور جدی رقیب خود یعنی روسیه، نقش گسترده خویش را در ایران تثبیت کند. این کودتا که توسط دولت انگلیس طراحی شده بود، با مساعدت عوامل خارجی و یادی داخلی و دست نشانده های این حکومت به سرانجام رسید. این کودتا را می‌توان مقدمات تغییر سلطنت قاجار (اشاره شد در این زمان احمدشاه قاجار حکومت را در دست داشت به پهلوی رافراهم کرد و فصل جدیدی را در تاریخ ایران را رقم زد با اینکه شاپور رپیورتر کار گزار اصلی شبکه‌های اطلاعاتی مخفی انگلیس در ایران بارها در ملاقات‌هایش به رضاخان گفته بود: ایران متمم‌کنار گذاشتن اسلام و بازگشت دوران باستان است. همچنین روشنفکران و فرنگ رفته‌های پیرامون رضاخان هم نگاه ضد اسلامی داشتند

ولی همه قبول داشتن نشاط محبوبیت مقبولیت عمومی است، به این ترتیب رضاخان طبق نظر حلقه‌ی پیرامونش الم اسلام خواهی برداشت تاقش مذهبی آن را به عنوان منجی قبول کنند.

حکم کشف حجاب در شش بند داده شده در اداره‌ها و معابر و سوزن‌ها بدون حجاب باید حضور پیدا می‌کردند. حضور مسئولان و نظامیان در مراسم جشن کشف حجاب با همسرشان بدون حجاب واجب و اجباری بود بعد از اجرای شدن حکم کشف حجاب، زنان باحجاب حق ورود به مساجد، مکان‌های مقدس، هتل‌ها و حتی ماشین سواری را نداشتند.

زنان از تردد باحجاب در همه‌جا منع شدند. اکثر بانوان در دوران اجباری شدن کشف حجاب در خانه خودشان را زدنای شدند و عده‌ای دیگر هم با لباس‌های مندرس بدون حجاب پا به خیابان می‌گذاشتند

رضاخان این اوضاع را امیدوار اما حاضر نبود کوتاه بیاورد. بعد از همه‌ی این اتفاقات در شهر یورماه ۱۳۲۰ ایران توسط متفقین اشغال شد و رضاخان هم تبعید شد و زنان ایرانی بار دیگر رنگ خیابان‌ها را دیدند. اینطور بود که رضاخان نتوانست تغییری در عقاید مردم به وجود بیاورد



● مقدمه

دولتمردان بریتانیا که در طول جنگ جهانی اول به ارزش نفت ایران پی برده بودند، راهی برای تضمین بلند مدت آن جستجو می‌کردند. ادامه ناامنی منافع دراز مدت آنان را به خطر می‌انداخت. این دولت که به دنبال تثبیت اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران در جهت دست‌یابی به اهداف خودش بود، ابتدا از طریق قرارداد ۱۹۱۹ م. و وثوق‌الدوله وارد شد؛ اما این قرارداد با واکنش بسیار تند ایرانیان رو به رو شد و لغو شد.

سرانجام انگلیسی‌ها به این نتیجه رسیدند که در ایران باید کودتایی صورت بگیرد و فردی قدرتمند و البته دست‌نشانده آن‌ها روی کار بیاید تا بتواند به این اوضاع آشفته سیاسی پایان دهد.

از دیگر اهداف و منافع انگلستان در ایران می‌توان به هدف تأمین امنیت هندوستان و حفظ موقعیت خودشان در خلیج فارس اشاره کرد. آن‌ها می‌خواستند دولتی با قوای نظامی قدرتمند در ایران شکل بگیرد، تا بتواند از تخطی دیگران (با بی‌طرفی خودش) جلوگیری کند.

«سید جلال‌الدین مدنی» به نقل از «هاس» یک مؤلف آمریکایی می‌نویسد: «همین که روشن شد، تصرف ایران و تبدیل آن به یکی از اقطار انگلستان شدنی نیست، بر آن شدند که با تحکیم ایران همچون دولتی مستقل و گوش به فرمان، از منافع آن‌ها بهتر دفاع شود.»

انگلیس و ایران بر سر زبان‌ها افتاد. او با اعضای سفارت انگلیس در ارتباط بود. سید ضیاء از سویی مورد اعتماد «می‌سیون» نظامی انگلستان بود؛ زیرا روزنامه‌اش «رعد» در سراسر دوران جنگ از انگلیس حمایت کرده بود و از سوی دیگر به عنوان اصلاح‌طلبی مستقل شهرت داشت... «یحیی دولت‌آبادی» می‌نویسد: «سید ضیاء الدین طباطبایی و رفقای کمیته‌ای او مثل کمیته آهن و فولاد یا کمیته زرگنده، قوه سیاسی ایرانی برای اجرای کودتای ۱۲۹۹م. بودند.»

به این نکته باید اشاره کرد که هنگام وقوع کودتای دولت سپهدار قدرت را در دست داشت. با وقوع کودتا و تصرف تهران توسط نیروهای قزاق و رضاخان این دولت عملاً قدرت را از دست داد و «احمد شاه» مجبور شد، سید ضیاء الدین را به رئیس‌الوزاری انتخاب کند.

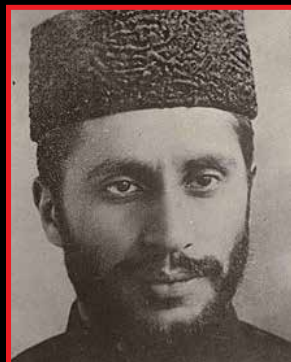
رضاخان مامور بود با کمک سید ضیاء الدین طباطبایی و نیروهای قزاق که در قزوین بودند، به تهران بیایند و قدرت را در دست بگیرند. بنابراین، سوم اسفند سپاهیان رضاخان به مهرآباد تهران رسیدند. سپهدار هیئتی را برای مذاکره فرستاد؛ ولی رضاخان گفت: برای تصرف تهران آمده و یک دولت نظامی تشکیل خواهد داد. (در تهران مقاومت چندانی صورت نگرفت. احمد شاه فوراً سید ضیاء را به نخست‌وزیری انتخاب کرد و رضاخان با عنوان سردار سپه، وزارت جنگ را در اختیار گرفت.) با فرار هیئت دولت و پناهندگی سپهدار به سفارت انگلیس، حکومت نظامی اعلام گردید. سید ضیاء فعالیت خویش را (به عنوان رئیس‌الوزراء) آغاز کرد و رضاخان از احمد شاه فرمان «سردار سپه» را گرفت.

● پیامدهای کودتا

از جمله پیامدهای این کودتا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- دستگیری گسترده شخصیت‌های برجسته سیاسی، در تهران؛ همانند «قوام‌الدوله»، «ممتازالدوله»، «سید حسن مدرس» که دستگیر و بازداشت شدند.
- ایجاد ارتش متحدالشکل
- سرکوب کلیه شورش‌ها و مبارزات آزادی بخش
- سلطه همه جانبه انگلیسی‌ها در ایران
- شتاب هرچه بیشتر روند قدرت‌گیری رضاخان

رضاخان به تدریج بر قدرت خویش افزود و با زد و بندهای سیاسی و با کمک نیروی نظامی، سرانجام در سال ۱۳۰۴ ش. به حاکمیت قاجاریه پایان داد و سلسله پهلوی را تأسیس کرد.



● عوامل کودتا

در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی که طراح آن انگلیس بود، هم عواملی از این کشور در روند اجرایی شدن آن به طور مستقیم دخیل بودند و هم عوامل داخلی در شکل‌گیری آن نقش داشتند.

● عوامل انگلیسی

از جمله نیروهای دخیل انگلیسی در این ماجرا به «آیرون ساید» و «کلنل اسمایس» و از عوامل داخلی باید به «رضاخان» و «سید ضیاء الدین طباطبایی» اشاره شود.

ماموریت آیرون ساید در ایران تهیه مقدمات کودتا بود. او این ماموریت را در دو مرحله انجام داد:

۱. جایگزین کردن افسران قزاق ایرانی به جای افسران روس.
۲. انتخاب یکی از آن‌ها برای فرماندهی نیرویی که نقشه کودتا را به انجام برسانند.

● عوامل ایرانی

انگلیس برای اجرای نقشه کودتا چند نفر را زیر نظر داشت من جمله: «سردار همایون رئیس دیویژن قزاق»، «عبدالله خان طهماسبی» و «رضاخان امیر پنجه مازندرانی» بودند. مذاکرات بارضاخان در خصوص انجام کودتا به نتیجه رسید.

موضوع همکاری رضاخان با افسران انگلیسی پیش از کودتای ۱۲۹۹م. و معرفی او به آیرون ساید یکی از مسائل مهم و پیچیده تاریخ معاصر است. در کتاب ایران بین دو انقلاب آمده است: «رضاخان پیش از حرکت به سمت تهران احتمالاً با افسران انگلیسی در قزوین مشورت کرد و از آنان برای افرادش مهمات و آذوقه و مواجب گرفت.»

سرانجام رضاخان میر پنج از افسران قزاق با کمک آیرون ساید (فرمانده نیروهای انگلیسی در ایران) به فرماندهی قزاق‌ها (تنها نیروی نظامی در ایران) انتخاب شد و به پیشنهاد آیرون ساید به همراه سید ضیاء الدین طباطبایی برای تشکیل دولتی قدرتمند به سوی تهران رهسپار گردید. پایتخت با قوایی که در آن بود، به تصرف جماعتی که خود را فروخته بودند، در آمد

و بدین ترتیب کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹م. متولد شد. سید ضیاء الدین از نخستین مراحل کودتا در جریان اجرای این نقشه بود و پیش از کودتا در تهران و قزوین ملاقات‌های مکرر بارضاخان داشته است. نام سید ضیاء با حمایت بی‌چون و چرایش از وثوق‌الدوله و قرارداد ۱۹۱۹م.



تیم سازند

کارگردان: محمد کارت

تهیه کننده: رسول صدرعاملی

نویسندگان: محمد کارت، حسین دوماری، پدرام پورامیری

بازیگران: جواد عزتی، طناز طباطبایی، میر آقایی، مهلقا باقری

علی شادمان، یاتتہ آ بہرام

معرفی فیلم:

شنای پروانه یک فیلم در ژانر اجتماعی و به کارگردانی محمد کارت و تهیه‌کنندگی رسول صدرعاملی محصول ایران در سال ۱۳۹۸ است.

معرفی فیلم

شنای پروانه

خلاصہ فیلم:

فیلمی از زنی به نام پروانه (طناز طباطبایی) در حین شنادر استخر در فضای مجازی منتشر می‌شود. حالا هاشم (امیر آقایی) شوهر پروانه و برادرش حجت (جواد عزتی) به دنبال انتقام گرفتن از کسی که این فیلم را منتشر کرده هستند، اما...

توقف اکران:

در ۲۲ تیرماه رسول صدرعاملی، تهیه‌کننده فیلم به دلیل افزایش قربانیان و مبتلایان به بیماری کرونا و بروس ۲۰۱۹ و به احترام کادر درمان که طی مدت طولانی مشغول درمان مبتلایان هستند، خبر از توقف موقت اکران فیلم از روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۹۹ داد.

جوابز:

سیمرغ‌های دریافت شده‌ی شنای پروانه از

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر

بهترین بازیگر مکمل نقش مرد

امیر آقایی

بهترین بازیگر مکمل زن

طناز طباطبایی

بہترین تدوین

اسماعیل علیزاده

بهترین صداگذاری و میکس

آرش قاسمی

بهترین صدا برداری

مهدی صالح کرمانی

بهترین فیلم از نگاه تماشاگران

رسول صدر عاملی

بهترین تیزر

حمید نجفی راد



علی

پدر بشریت

علی عسگری کارشناسی علوم سیاسی

بسم الله الرحمن الرحيم

ندا آمد! یا مریم اینجا مکان مقدسی است، زایشگاه نیست بیرون برو.

فاطمه به صحن بیت الله الحرام آمد، گرد و غباری به پا بود، دست بر کعبه گذاشت و از خداوند درخواست کمک کرد. دیوار شکاف و وارد شد، سه روز بعد همراه فرزندی که تاریخ بماند او را دیگر به خود ندید از خانه خارج شد. در هنگام خروج صدایی گوش فاطمه را پر کرد! نامش را علی بگذار که خداوند علی اعلی است، نامش را از اسم خود جدا ساختم و او را به ادب خود پرورش دادم و او را به پیچیدگی های علم خود آگاه ساختم. او کسی است که بر بام خانه ی من اذان خواهد گفت و مرا تقدیس و تمجید خواهد کرد پس خوش به حال کسی که او را دوست بدارد و اطاعتش کند و وای بر کسی که او را دشمن بدارد و نافرمانی کند! (۱)

پدرش ابوطالب از نظر معیشتی در تنگنا بود در ۱۳ رجب ۳۰ عام الفیل حضرت علی (ع) هم به فرزنداناش اضافه شده بود، خوشاوندان نزدیک به کمک ابوطالب آمده بودند و هر کدام سرپرستی فرزندی را بر عهده گرفته بودند.

از این میان رسول اکرم (ص) به دنبال علی (ع) آمد و او را به خانواده خود برد. به طوری که از حضرت امیر (ع) نقل است که اپیمبر (ص) مرا به دامان خود می نشاند و در آغوش می گرفت و در بستر مخصوص خود جای می داد حتی گاهی لقمه غذا را هم در دهانم می گذاشت! (۲) در همین احوالات و گذر لحظه ها بود که علی (ع) در کنار رسول خدا (ص) و نور وحی رشد و نمو یافت و از حضرت نقل است که آدر روزهای آغازین رسالت پیامبر (ص) که هنوز در خانه هیچ کس اسلام نرفته بود و فقط سه عضو داشت، در آن روزها من نور وحی را مشاهده و عطر نبوت را استشمام می کردم. هنگامی که وحی بر رسول خدا (ص) نازل می شد، ناله شیطان را می شنیدم، لذا روزی از رسول خدا (ص) پرسیدم این ناله چیست؟ فرمودند: صدای شیطان است. او از زمانی که دریافت، بر من وحی می شود، مایوس شده است از اینکه مردم از او فرمان برداری کنند. پیامبر اکرم (ص) در ادامه این سخن فرمودند که آنچه من می شنوم تو نیز می شنوی و آنچه من می بینم، تو نیز می بینی، اما تو پیامبر نیستی، یار و یاور من هستی و راه خیر را طی خواهی کرد. (۳)

گرد و غبار عظیمی به پا بود، لشکر مسلمین در طی حملات متعدد ناکام مانده بود و با نعره های مرحب می گریخت. رسول خدا (ص) برخاست و فرمود! همانا فردا پرچم را به دست مردی می دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز



او را دوست دارند. حمله کننده ای است که نمی گریزد و از میدان جنگ بر نمی گردد تا خداوند با دستان او (قلعه خیر را) بگشاید! (۴)

فردا شد. علی (ع) برخاست و پرچم را گرفت و جلورفت، روبه روی قلعه ایستاد و چندی صحبت کرد، این بار اما صدایی بلندتر از دفعه های قبلی به گوش می رسید، بدلان از ابتدای گفتند علی هم موفق نخواهد شد انگار نه انگار که پیامبر وعده فتح داده بودند، با بلند تر شدن صدا این شک از بین رفت و صدای تکبیر بلند شد. آری این بار صدای نعره نبود صدای ناله درناک مرحب بود که از سرش خون فوران می کرد، کمی قبل تر مولا او را نصیحت و دعوت به اسلام کرده بود. اما مرحب که سرخوش از فتح های گذشته و ترساندن مسلمین بود صدای مولا را نمی شنید.

بعد از خاموش شدن صدای الله اکبر مسلمین، حضرت به سمت دروازه حرکت کرد، با جستی بلند در را گرفت، و یک جا آن را از پاشنه کند، مسلمین با حالتی اعجاب برانگیز به این صحنه خیره شده بودند، انگار باور کردن قدرت خدا بر ایشان سخت بود، شاید هم حسادت مانع فهم شان شده بود، هر چه که بود این را کینه و این دروازه را محور انتقام قرار دادند و چه بلاهایی که با همین در حادث شد!

تاریخ با آن همه روایت های خرد و کلانش نتوانسته



است از پس فضائل پدرمان بر آید، ما که جای خود، پُر واضح است که بعد از جنگ خیبر، یهودیان نقشه ای گسترده برای حضرت کشیدند، فصل مشترک این نقشه توافقی بود که با منافقان مدینه بستند برای حذف پدر! آخر می دانی رسول خدا (ص) خود و علی را پدران امت معرفی کرده بود! (۵)

اگر پدر را از فرزندانش بگیری به راحتی می توانی فرزندانش را تحت کنترل خود در آوری. اسم رمز همین بود، حذف پدر.....

اما نقشه ی آنها، آن طور که مطلوب آنها بود پیش نرفت. بعد از شهادت رسول اکرم (ص) اوضاع مطلوب منافقان برای عرض اندام شد، حالا دیگر وقتش رسیده بود فتنه برقرار شود درست طبق نقشه!

همه چیز طبق برنامه ریزی پیش رفته بود الا حرکتی که هیچ گاه تصورش را هم نمی کردند، حضرت صدیقه طاهره (س) یک تنه با انحراف و دستگاه تبلیغی طاغوت به مبارزه برخاسته و سد راه آنها شده بود.

نقشه های متعدد در این هنگامه، برای حذف فیزیکی پدرمان طرح ریزی شد، اما مهم ترین و پر قوت ترین آن، هجوم به خانه ی مولا بود، در این حمله قرار بود به بهانه بیعت گرفتن، مولا را شهید کنند اما وقتی پدر در خطر باشد این مادر است که جان خود را سپر بلا می کند.

هدف نهایی نقشه حذف دین بود، ابتدا با گرد و غبار فتنه، حق را پنهان کرده بودند و حال در پی حذف حق بودند. فکر می کنم هر چه را خوب نفهمیده بودند این کلام رسول اکرم (ص) آکه حق با علی است و علی با حق است! (۶) را خوب درک کرده بودند. مادرمان پر پر شد تا پدر بماند و دین را نگه دارد، دینی که برایش جانفشانی ها کرده بود و زخم ها بر داشته بود و مهم ترین سرمایه اش را فدای آن کرده بود.

علی (ع) بعد از وداع با تمامی جانش، به مقابله با فتنه پرداخت تا جایی که امکانش بود مرزهای انسانیت را که تا قبل از آن رنگ و بویی از آن در هیچ کجا جهان نمودی از آن نبود را روشن کرد و به بشریت آموخت چطور زیستن را! چطور مقابله کردن با خود را! چطور گرفتن حق را! چطور برقرار کردن عدالت را!...

اما امان از زخم کهنه!!

تیغی که در فتنه صیقل خورده بود حالا خوب آب دیده و تیز شده بود اما فرقی این بود که از تجاع و جهل آن را تیز کرده بود، شمشیری که بسیار خطرناکتر از شمشیر امثال معاویه ها بود، این شمشیر ساخته دست همان منافقان بود، آمده بود انتقام ناکامی نقشه هایشان را بگیرد، پدرمان در سجدده است (سبحان ربی اعلی و بحمده) دوباره صدایی گوش مادر را پر می کند (نامش را علی بگذار که خداوند علی اعلی است، زیرا نامش را از نام خود جدا ساختم و به ادب.....) ضربت به سر پدر اصابت کرد و مولا... را زمره می کند أَفَزْتُ وَرَبَّ الْكَعْبَةِ، کوبه های درب کعبه بهم می خورد، علی را صدا می زنند، زهر را منتظر توست بیا!!

- (۱) بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۹
- (۲) نهج البلاغه، خطبه قاصعه
- (۳) الطرائف، ج ۲، ص ۴۱۵
- (۴) بحار الانوار، جلد ۳۹، ص ۹
- (۵) بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۱
- (۶) کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۳

کنار هم قرار گرفته‌اند.
۴. ارائه‌ی نگاهی کلی از تفکر توحیدی، با در نظر داشتن شئون مختلف زندگی بشر
۵. نگاهی نو به مفاهیم دینی؛ اگر چه کلمات، کلماتی هستند که مکرر به گوش شنونده رسیده‌است، اما اباعبدی تازه می‌بخشید که در آن روزگار مورد انتقاد قرار می‌گرفت
۶. انطباق مباحث آن با سیره سیاسی امامان شیعه
۷. توجه ویژه به درد اصلی جوامع بشری و مسلمانان: ضعف ایمان. وی، حقیقت ایمان را به مخاطبان خود معرفی می‌کند؛ و تشریح می‌کند که این باور آگاهانه و تعهدآور، اگر درست شناخته شود، همچون روحی که جسم را به حرکت درمی‌آورد، عقاید را به صحنه زندگی و اجتماعات بشری وارد کرده و آنگاه، این ایمان، انسان ساز و جامعه ساز خواهد شد.
۸. وحدت آفرین بودن مباحث آن برای امت اسلامی.
۹. آموزش شیوه تدبیر و تعمق در قرآن به مخاطبان
۱۰. توجه خاص به جوانان: مخاطب اصلی این جلسات، عموماً قشر جوان هستند.

در قالب کتابی با نام «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» از سوی «مرکز صهبا» منتشر شد.

ویژگی‌های کتاب

این کتاب با کتاب‌های متعددی که با عنوان اندیشه اسلامی یا اصول عقاید به رشته تحریر در آمده‌اند متفاوت است. از نظر مؤلف کتابی که به اصول اعتقادی دین پرداخته‌اند یک سری مفاهیم ذهنی هستند و در مقام اثبات درستی این اصول و پاسخگویی به شبهات مطرح شده‌اند. برخلاف این کتابها، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» مباحث ضروری دین را به گونه‌ای دیگر معرفی کرده‌است. یعنی در کتاب، اصول اساسی اعتقادی دین، مبتنی بر آیات قرآن به مخاطب عرضه شده‌است. به طوری که این اصول اعتقادی از سطح مفاهیمی ذهنی خارج شده و رنگ و بوی عملی گرفته‌اند.
۱. اولین ویژگی این کتاب اینست که از جنس کتاب‌های کلامی نیست که روند اثبات و نفی در پیش گرفته باشد، بلکه اصول اصلی اندیشه اسلامی را از روی آیات قرآن و بر مبنای توضیح مسائل اساسی دین تبیین کرده‌است.
۲. ارائه‌ی نمایی کلی از اندیشه اسلامی به جهانیان است، نه فقط مسلمانان، بلکه یکایک انسانها، چه موحد و چه غیر موحد. هر کس، با هر ایده و تفکری، می‌تواند مخاطب این کتاب باشد.
۳. تعریفی دوباره از دین به مخاطب داده‌است. تعریفی که دین را تنها مجموعه‌ای از اصول فکری یا عملی مجزا نمی‌داند، بلکه آن را مجموعه‌ای متحد تعریف می‌کند که با نظامی خاص در

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن پنجمین اثر مکتوب رهبر انقلاب است که قبل از انقلاب اسلامی، که در ماه رمضان سال ۱۳۵۳ مسجد امام حسن مجتبی واقع در شهر مشهد است که در آن اصول و پایه‌های فکری اسلام، در خلال آیات قرآن مطرح شده‌است؛ که از شناخت این اصول، طرح کلی از دین به صورت یک ایدئولوژی کامل ارائه شده‌است.

تاریخچه کتاب

ماجرای کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» به رمضان سال ۱۳۵۳ شمسی بازمی‌گردد. جلسات رهبر انقلاب در مسجد گرفت مشاهد در اسفند سال ۱۳۵۲ به وسیله ساواک تعطیل شد. پس از این تعطیلی وی در جلسات مختلفی به سخنرانی و تبلیغ می‌پرداخت. یکی از این محافل مسجد امام حسن مجتبی بود که او در آنجا به اقامه نماز جماعت و طرح تازه‌ای برای سخنرانی‌هایش می‌پرداخت و عنوان آن «طرح تبیین رتوس و اصول کلی اندیشه اسلامی با تکیه بر قرآن کریم» بود. در این طرح قرار بود اصول اصلی اعتقادات اسلامی مستند به آیات قرآن بررسی و تبیین شود؛ این مباحث در ماه رمضان سال ۱۳۵۳ شمسی مطرح شد. مجموعه این مباحث در چند مرحله برای چاپ آماده شد و به انتشار رسید. در ابتدا کتابچه‌ای از خلاصه مباحث در سال ۱۳۵۴ منتشر شد؛ اما صورت کامل و پیاده شده همه‌ی سخنرانی‌ها بعد از انقلاب انجام شد. پس از وقوع انقلاب اسلامی نیز تا مدت‌ها انتشار متن کامل سخنرانی‌ها ممکن نشد. البته بخش‌هایی از آن در قالب جزوه‌ها و کتابچه‌هایی در دسترس قرار می‌گرفت. مجموعه‌ی سخنرانی‌ها در سال ۱۳۹۲

معرفی کتاب

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



♦ نویسنده: آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

♦ ناشر: انتشارات صهبا (شهر قم)

♦ تعداد صفحات: ۵۳۶ صفحه



علی سلیمانی کارشناس ارشد علوم سیاسی

حکم دو سال زندان مهدی جهانگیری هر چند از نظر کمیت قابل قبول نبود اما از نظر کیفیت در بالاترین سطح قرار داشته است که اینگونه دولت برای به حاشیه راندن محاکمه برادر معاون اول خود دست به حاشیه سازی درباره دلیل احضار وزیر ارتباطاتش میزند. گاهی می توان با تحلیل و بررسی واکنش افراد و گروه ها به یک اتفاق آن مساله را بهتر واکاوی کرد مانند قضیه حکم دو سال زندان برای مهدی جهانگیری که باعث انتقاد و ناراحتی شدید عده ی زیادی شد اما بعد با واکنش دولت مشخص شد آنچه مهم بوده اصل محاکمه این افراد است. ای کاش رییس جمهور این مقدار از حساسیت که نسبت به خود و اطرافیان خود دارد را نسبت به مردم و مشکلات کشور داشت، ای کاش آقای رییس جمهور بجای اعلام اینکه بخاطر پهنای باند (که ادعایی خلاف واقع بود) مرا محاکمه کنید اعلام می کردند به علت کاهش ارزش پول ملی، رکود اقتصادی، عدم توجه به تولید داخلی، عدم ساخت و تامین مسکن، تصمیمات خلق الساعه مانند افزایش قیمت بنزین، افزایش لحظه ای قیمت ها و کمبود گاه و بی گاه کالاهای اساسی من را محاکمه کنید. اگر در این کشور هر کس مسئولیت کار خود را قبول می کرد و بابت کم کاری ها و بی مبالاتی ها و بی مسئولیتی های خود پاسخگو بود، نه نیاز بود که چشم انتظار رفتن فیلی و آمدن الاغی باشیم و نه نیاز بود برای سرپوش گذاشتن بر اشتباهات و خطاها هر روز دست به حاشیه سازی بزنیم و مطالب خلاف واقع بیان کنیم و کام مردم را با دعوای بی دلیل با دیگر مسئولان نظام تلخ کنیم. به نظر می رسد وضع امروز کشور دقیقاً به دلیل همین روحیه ای دیکتاتوری و رباب و رعیتی است که در خلق رییس دولت نهاده شده است که کارها را نه با کار کارشناسی که با دستور و تحکم پیش می برد و اگر برخلاف نظر ایشان اتفاقی رخ دهد مکرر می شوند و به سخت ترین شکل ممکن با آن برخورد می کنند، مانند آنچه درباره برنامه زاویه و اظهارات مهمان برنامه رخ داده، ابتدا حضور رییس رسانه ملی در جلسه هیئت دولت جلوگیری شد و بعد اخراج مجری آن برنامه و باقی ماجرا که قبلاً هم درباره برنامه های دیگر رسانه ملی اتفاق افتاده بود.

ومن الله التوفیق

ماجرای سوم

حدوداً یک هفته بعد از احضار چهارمی و یک روز پس از محکومیت مهدی جهانگیری جناب آقای رییس جمهور در جلسه هیات دولت با تاخیر ناگهان در باره احضار وزیر ارتباطات دولتش واکنش نشان داد و این احضار را مربوط به افزایش پهنای باند دانست و با دفاع از افزایش پهنای باند سینه سپرده کرده و برای حمایت از وزیرش گفت «اگر قرار است برای پهنای باند کسی را احضار کنید آن من هستم زیرا من دستور دادم این اتفاق رخ دهد» حال چقدر این ادعا که احضار بخاطر پهنای باند بوده است درست می باشد مورد بحث نیست و پاسخ این ادعا توسط مسئولان قوه قضائیه داده شد، نکته جالب در این قضیه یکی این است که ایشان افزایش قیمت بنزین را هیچگاه گردن نگرفت و بابت تمام مشکلات و مسائل بعد از آن حاضر به پاسخگویی نشدند حالا در یک مساله موهوم که ادعایی بیش نیست اعلام می کنند حاضرند محاکمه شوند. اتفاق جالب دیگر نفی تخصص و غالب بودن جو دستوری و رباب و رعیتی در دولت است که رییس جمهور به وزیرش دستور می دهد فلان اتفاق رخ دهد و او نیز ملزم به اجرای اوامر ملوکانه است، حال چقدر از این دستورهای کارشناسی نشده به وزرای اقتصادی داده شده است که وضع اقتصاد کشور اینگونه است خدای می داند.

پایان ماجرا

از سه ماجرای بالا یک نتیجه مهم بدست می آید، رییس جمهور در همان ابتدای احضار وزیرش واکنشی نشان نداد اما بعد از صدور حکم برای معاون اولش در اولین جلسه یک واکنش تند نسبت به قوه قضائیه نشان داد که آن واکنش به ماجرای قدیمی تر از حکم مهدی جهانگیری بود اما عصبانیت موجود در این واکنش این را عیان کرد که دولت و شخص رییس جمهور چقدر از اینکه برادران نفر اول و دوم دولت به دلیل فساد اقتصادی محاکمه شده اند ناراحت و عصبانی است زیرا این احکام هر قدر هم اندک بعنوان فساد نزدیکان در کارنامه دولت ثبت شد آن هم فساد در زمان استقرار دولت که بدترین نوع فساد مسئولان بوده است. پس می توان گفت

ماجرای اول

حدوداً در ابتدای بهمن ماه بود که خبر آمد دادستانی محمد جواد آذری جهرمی را احضار کرده است، که این احضار حواشی فراوان و انتقادات بسیاری را به همراه داشت، از اشتباه بودن زمان احضار و ایجاد فرصت حاشیه سازی برای دولت که از جانب خیر خواهان قوه قضائیه صورت می گرفت تا انتقاد از دلیل احضار که توسط ناآگاهان و بعضاً مغرضان صورت گرفت. عده ای احضار وزیر را به علت مسدود نکردن اینستاگرام، عده ای به دلیل شکایات مردمی و برخی نیز علت آن را گران فروشی و تخلف مالی در محاسباتهای اینترنت اعلام کردند اغلب بر اشتباه بودن این اتفاق از این نظر که دولت که استاد حاشیه سازی است متفق القول بودند اما به طرز عجیبی از جانب دولت نسبت به این اتفاق واکنش نشان داده نشد.

ماجرای دوم

چند روز از بهمن ماه نگذشته بود که بعد از احضار جنجالی آذری جهرمی در خبرها آمد قوه قضائیه برای مهدی جهانگیری برادر معاون اول رییس جمهور بابت موارد اتهامی از جمله قاچاق حرفه ای ارز و فساد اقتصادی حکم دو سال زندان صادر کرده است. با شنیدن این خبر موجی از انتقادات و متوجه قوه قضائیه کرد که اغلب از جانب بدنه انقلابی و دلسوز نظام بود که این حکم را بسیار ناچیز با میزان جرم برادر معاون اول می دانستند و معتقد بودند فردی که وثیقه صادره برای پرونده او سنگین ترین وثیقه تاریخ بوده است چگونه حکم قطعی او فقط دو سال زندان می تواند باشد و این حکم ناعادلانه بوده و احتمالاً دست هایی در کار بوده که با فشار و یالایی باعث همچنین حکم حداقلی شده است و این امر باعث دلسردی و ناامیدی مردم از حرکت مقتدر قوه قضائیه با فساد می شود. گروهی نیز بر این نظر بودند که برخورد با برادر مسئولین مشغول به کار خود اتفاقی بزرگ و قابل تقدیر و توجه بوده و باید از این منظر بر این قضیه تاکید شود.



زنان در عصر معاصر ایران

حمیرا نوری | کارشناس ارشد حقوق

این مسائل اشاره و تاکید نموده است. حال آیا باید گفت وضعیت زن در ایران — به عنوان یک کشور مسلمان — تا قبل از این تحولات بهتر از اروپا بود؟

در ایران تا پایان دوره قاجار، نامی از زن و حقوق و آزادی زن نبود. هر چند گاهی زنان برجسته، تاریخ را رقم زده‌اند اما این امر عمومیت نداشت. باید اذعان داشت که زنان ایرانی در اواخر دوره قاجاریه در وقایعی چون نهضت تنباکو و انقلاب مشروطیت، نقشی فعال و مستقیم ایفا نمودند اما این حضور جرعه‌ای بیش نبود و دربرگیرنده پیامد مثبتی که زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده تامین حقوق ابتدایی آنان برای ورود به متن تحولات باشد، به‌شمار نمی‌رود. در عصر پهلوی شعار آزادی زنان در محور سیاست‌ها قرار گرفت و زنان توانستند از برخی حقوق برخوردار شوند اما در عمل همچنان در حاشیه بودند. در این دوره حضور زنان صرفاً یک حضور کمی بود و درواقع آنها عملاً غایب بودند. علی‌رغم چنین پیشینه‌ای، زنان در مقطع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به صحنه آمدند و قدرت نهفته و بالقوه خود را برای حضور در تحولات انقلاب نشان دادند. این یادداشت قصد دارد سیر تحول حضور زنان از نهضت تنباکو تاکنون را با این فرضیه که حضور و حقوق زنان در جمهوری اسلامی بیش از دوره‌های پیش مدنظر قرار گرفته، به‌طور اجمال مورد بررسی قرار دهد

● وضعیت زنان در دوره محمدرضا شاه

اقدامات رضاشاه برای تغییر چهره اجتماعی زنان ایران، باعث شد تضادهای اجتماعی که بر خورد با مدرنیته‌ای که بر عرف کهن تحمیل شده بود، آشکار شوند و در نهایت اشکال خشونت‌آمیزی به خود بگیرند. تحولات عصر رضاشاه باعث به‌وجود آمدن قشری از زنان تحصیل‌کرده

زن در طی تاریخ، بنابر مقتضیات فرهنگ حاکم بر جوامع، در حاشیه تحولات قرار داشت و خود نیز این موضوع را به عنوان یک حقیقت غیر قابل تغییر و اجتناب‌ناپذیر پذیرفته بود. پس از انقلاب صنعتی به‌تدریج زن از حاشیه به متن تحولات کشیده شد. از آن پس زن نقش مولد یافت اما با تکامل صنعت و رشد تولید و ضرورت مصرف، استفاده از زنان در جهت ایجاد انگیزه برای مصرف مد نظر قرار گرفت.

اندیشه برابری زن و مرد در اروپا، در دوره روشنگری خود را بیشتر نشان داد. به نظر اندیشمندان این عصر برای رفع کاستی‌های بایست اصلاحات اجتماعی صورت گیرد، زنان آموزش ببینند و قوانین ناعادلانه دگرگون شوند. به اعتقاد فلاسفه فرانسوی کاستی‌های زنان ناشی از قانون طبیعت نبود بلکه ناشی از شرایط زیست آنها بود و بنابراین ضرورت داشت زنان توانایی‌های ذهنی خود را توسعه دهند و از این راه صاحب فضایل برتر شوند. ولتر بی‌عدالتی را عامل فروستنی زنان در جامعه می‌دانست. کندر سه معتقد بود باید به زنان حقوق اجتماعی و سیاسی برابر داده شود و تام پین، اندیشمند آمریکایی که هدف انسان‌ها را در جامعه حفظ حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی آنها می‌دانست، خواهان بسط این حق به زنان بود و وضعیت موجود زنان را در کشورهای که به نظر خوشبخت می‌آمدند، محکوم می‌کرد. خود زنان نیز به‌تدریج تحت تأثیر این افکار قرار گرفتند و بر حقوق برابر خود با مردان تاکید کردند.

آنچه گفته شد، درباره تحولات فکری اروپا در خصوص زنان بود اما چنانکه می‌دانیم، دین اسلام بسیار پیش‌تر به

شد که فاقد تشکلهای نیرومند مختص به خود بودند. این گروه در زمان محمدرضا شاه و تحولات موجود پس از شهریور ۱۳۲۰ش، حقوق بیشتری را برای زنان مطالبه کردند و از جمله زنان درباری و وابسته به خانواده پهلوی، سازمان‌هایی را تحت عناوین حمایت از زنان و کودکان تشکیل دادند.

زنان در این دوره نیز تا سال ۱۳۴۱ش از حق رأی و حق انتخاب‌شدن برخوردار نبودند تا اینکه در مهر همین سال، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که بر اساس آن زنان حق رأی داشتند، در هیأت وزیران تصویب شد. پس از پخش خبر تصویب این لایحه در کابینه علم، مقاومت و مبارزه روحانیون با تلگراف چند تن از علمای قم در هفدهم مهر ۱۳۴۱ش، و سپس تلگراف امام خمینی (ره) به نخست‌وزیر در بیست‌وهشتم مهر آن ماه اوج گرفت. علم یک‌ماه و بعد تلگرافی برای علمای قم فرستاد. وی در این پیام گفته بود: «نظریه دولت در مسأله شرط اسلامیت برای انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان، همان نظر علمای اسلام است و در مسأله سوگند نیز، سوگند امانت و صداقت در کارها و مصالح عمومی با قرآن مجید است و در مسأله شرکت بانوان در انجمن ایالتی و ولایتی، دولت نظر آقایان را به مجلسین تسلیم می‌کند و منتظر تصمیم مجلسین است..»

امام در این موضوع پافشاری بیشتری نشان داد. وی در یکی از سخنرانیهای خود در تاریخ دهم فروردین ۱۳۴۱ش، تصریح کرد: «دیدیم از اول که این دولت بی‌سواد و بی‌حیثیت روی کار آمد، از اول هدف، اسلام بود. در روزنامه‌ها نوشتند که بانوان را حق دخالت در انتخابات داده‌اند لکن شیطنیت بود، برای انعکاس نظر عامه مردم به آن موضوع بود که نظرشان به العالی اسلام و العالی قرآن،

زنان هنوز از حقوق مسلم خود آگاه نبودند و به دلیل عدم آگاهی، زندگی سنتی نزد ایشان مقبول تر می نمود.

در عصر پهلوی، با توجه به خفقان حاکم و درافتادن رضاشاه با مذهب و روحانیون، به رغم گامهای مثبتی که به لحاظ شرایط خاص جهانی در جهت آموزش زنان برداشته شد، مقوله کسب حقوق زنان مفاهیم دیگری یافت. این روند در دوره محمدرضاشاه نیز ادامه یافت و جمعیت اندکی از زنان که به مراتب بالا می رسیدند و مسئولیتهایی را بر عهده می گرفتند، چه بسا به دلیل وابستگی به دربار نمی توانستند نماینده طیف گسترده زنان باشند.

نقش زنان در دوره انقلاب و پس از آن در دوره هشت سال دفاع مقدس، غیر قابل انکار است. زن ایرانی این بار با حضور خود در صحنه انقلاب دو هدف داشت: اعتراض به وضع موجود و درخواست تحولی بنیادین در دیدگاههای حاکم بر جامعه در مورد زنان.

امام خمینی به نقش زنان و حضور آنها در اجتماع اهمیت زیادی می داد. نقش جدید زن در قالب اسلام و الگو گرفتن از حضرت فاطمه (س) مفهوم می یافت. زنان در دوره دفاع مقدس ثابت کردند نقش مهمی را به عهده گرفته اند، چه بسا اگر همراهی آنان نبود، هیچ تحولی به موفقیت ختم نمی شد. امام خمینی با اشاره به نقش کلیدی زنان می فرماید: (آنچه ما امروز داریم، از زنان داریم)

در پی توجه به مقوله آموزش زنان، آنها به مرور خواستار بهبود وضعیت خود و کسب برخی حقوق احقاق نشده خویش هستند. در دوره پس از انقلاب، تلاشهای زیادی برای ایجاد موقعیت بهتر برای زنان انجام شد و حتی زنان توانستند برخی مسئولیت های کلیدی جامعه را به دست گیرند. با این کار، زن ایرانی توانست توانایی های خود را در اجتماع نشان دهد و ثابت شد که موضوع فعالیت سیاسی زن از دیدگاه اسلام با نوسازی اندیشه اسلامی معاصر مغایرتی ندارد و خروج امت اسلامی از حالت بحرانی امروز جز با مشارکت فعالانه زن در اصلاح و توسعه امکان پذیر نیست. حضور فعال زنان ایرانی در عرصه های مختلف، خط بطلان بر اندیشه های ارتجاعی کشید و نشان داد که اسلام و به ویژه فقه شیعه بهترین دفاع را از حقوق زنان به عمل می آورد. از این رو باید گفت مشارکت زنان در اجتماع در واقع نیازمند درکی نواز واقعیتهای موجود است.

تاکید بسیاری بر نقش زن داشتند. آنان به نقش کلیدی زنان در عرصه انقلاب اعتراف داشتند و سعی می کردند زنان را به این نقش آگاه سازند. تقریباً هیچ مصلح دینی معاصر را نمی توان یافت که به زن و اهمیت و جایگاه او توجه نکرده باشد. در تاریخ اخیر کشورمان، اندیشمندان بزرگی چون مرحوم طالقانی، دکتر علی شریعتی، استاد مرتضی مطهری و امام خمینی به این مقوله بیش از دیگران توجه کرده اند

دکتر علی شریعتی در سخنرانیهای خود، مقام زن را بسیار ارج می نهاد و زن عصر انقلاب را با زنان صدر اسلام و به ویژه، حضرت فاطمه (س) مقایسه می کرد. او حضرت فاطمه (س) را الگویی الهی می دانست. شریعتی در کل سه چهره را برای زنان بر می شمرد: ۱- زنی که چهره موروثی را می پذیرد ۲- زنی که چهره تحمیلی صادراتی دارد ۳- زنی که می خواهد انتخاب کند، اما چه چیز را و کدام تصویر را؟ شریعتی نه زن ارتجاعی و نه زن مدرن تحمیلی، بلکه زن مسلمانی را می پذیرفت که الگوی او حضرت فاطمه (س) باشد.

● نتیجه

در روند تحولات معاصر نباید نقش زنان را فراموش کرد. امروزه توانایی و کارایی زنان همپای توانایی های مردان و شاید هم فراتر است. زنان به حقوق خود آگاه شده اند؛ هر چند تارسیدن به نتیجه مطلوب هنوز فاصله زیادی دارند. باید اذعان داشت موضوع زن و آزادی های قانونی وی از جمله پدیده های ویژه عصر حاضر است و این حرکت از قرن نوزدهم به صورت یک جنبش اجتماعی در جوامع اروپایی ظهور کرده است. هر چند امروزه وجوه افراطی این جنبش به شکل فمینیسم خود را نشان داده، اما جنبش آزادی زنان در اشکال سالم خود دارای مضامینی انسانی و عدالتخواهانه است. امروزه مسأله آزادی زن، همچون مبحث مشارکت سیاسی و آزادی بیان، یکی از چالشهای مهم میان اندیشه دینی و مکاتب بشری به شمار می رود. زنان ایرانی تا پیش از مشروطیت در یک وضعیت سنتی به سر می بردند و در جامعه جایگاهی برای زنان وجود نداشت. در این زمان گروه اندکی از زنان تحصیل کرده که بیشترشان وابسته به طبقات بالای جامعه بودند، حرکتهایی را در راستای کسب حقوق زنان انجام دادند. اما این فعالیت ها کافی نبود و اکثریت

درست نیفتد و لهنذا اینجا ما متوجه شدیم و اجتماع شد... دیدیم قضیه، قضیه بانوان نیست، این یک امر کوچکی است، قضیه معارضه با اسلام است...». مخالفت آیات عظام و به ویژه امام خمینی، منجر به قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ ش. شد.

سرانجام بند اول ماده ۱۰ قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۲۹ ق. که زنان را در رده اطفال و مجانین و ورشکستگان و... قرار می داد و به این واسطه آنان را از حق رأی محروم می کرد، در سال ۱۳۴۳ ش. با ماده واحده ای که از مجلس گذشت، حذف شد و بند دوم ماده ۱۳ قانون انتخابات نیز که زنان را از حق انتخاب شدن محروم می کرد، حذف گردید

لازم به ذکر است که در عمل نیز به لحاظ شرایط غیردموکراتیک حاکم بر جامعه و شرایط فرهنگی نامناسب اساساً خود زنان هم نتوانستند از حق رای به خوبی استفاده کنند. زانی که به پارلمان راه یافتند، چون سابقه و تجربه سیاسی کاری و زدوبند در جامعه مردسالار را نداشتند و نیز به دلیل فقدان جامعه مدنی، از کسب تجارب دموکراتیک محروم مانده بودند، نتوانستند به نیروهای حمایتی و قدرت ارتباط لازم دست یابند و در نتیجه به لایه های ناهمگون بافت جمعیت زنان کشور پیوند نخوردند. در واقع حضور این نمایندگان در صحنه ها، به صورت سمبلیک باقی ماند و عملاً آنها نمایندگی طیف محدودی از زنان ایران را بر عهده داشتند.

● زنان در دوره انقلاب و پس از آن

زنان ایرانی در دوره انقلاب نیز مانند تحولات گذشته تاریخ معاصر به نقش آفرینی پرداختند و در تمام راهپیمایی ها علیه رژیم نقش اول را ایفا کردند. آنان همسران و فرزندان خود را برای مقابله با دولت پهلوی تشویق می کردند و از هیچ کوششی در این راستا دریغ نداشتند. چه بسا اگر نقش زنان را در علل پیروزی انقلاب حذف کنیم، دیگر عوامل نیز آنقدر موثر نباشند؛ چنانکه حضرت امام نیز همواره بر اهمیت این قشر از جامعه تأکید بسیار می کردند.

انقلاب اسلامی به عنوان یک حادثه بزرگ قرن بیستم، زمینه ساز تحولات عظیمی در عرصه داخلی و خارجی شد و آثار آن در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تجلی یافت. حضور زنان در عرصه انقلاب اسلامی ایران پدیده ای است که چنانکه باید به آن توجه نشده و جالب آنکه به نظر می رسد نقش آنان برای ناظران خارجی بیش از عناصر داخلی دخیل در انقلاب مشهود بوده است. شهید فتحی شقاقی، دبیر کل پیشین جنبش جهاد اسلامی، می نویسد: (جهان حیران و ناباور، زن ایرانی را می بیند که از قم و شیراز و تبریز به خیابانهای تهران فرود آمده... آمده است تا مشیت خود را در برابر سلاح به دستان نفت آیینان و انحصارطلبی ابرقدرتها گره کند)

جوش انقلابی زنان و انگیزه آنان برای ورود به صحنه، گاه حتی مشهودتر از مردان جلوه می کند؛ چرا که زنان در کلام امام خمینی، ندای رهایی از ستم مضاعفی را می شنیدند که قرون متمادی در عرصه های مختلف خانوادگی و اجتماعی بر آنها تحمیل شده بود.

حضور خودجوش زنان در انقلاب و نفی وضعیت موجود توسط ایشان را شاید بتوان اعتراض گسترده آنان به اندیشه نفی زن و تلقی زن به عنوان یکی شیء بر مبنای توجه صرف به جسم او، تلقی کرد.

روشنفکران مسلمان و انقلابی در طول دوره انقلاب



به یاد معلم اخلاق

زندگی نامه

آیت الله سید محمد ضیاء آبادی در سال ۱۳۰۷ در روستای ضیاء آباد در نزدیکی قزوین و در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. سادات ضیاء آباد از سادات حسینی هستند و به کشاورزی اشتغال دارند. پدرش از روحانیون خوشنام و مورد اعتماد مردم بود که در کنار اقامه نماز و تبلیغ دین مخارج خانواده ۹ نفری خود را از راه کشاورزی تأمین می کرد. مادرش نیز از زنان با ایمان و آشنا به مسایل اسلامی بود.

نسب ایشان و دیگر سادات ضیاء آباد به امام سجاد علیه السلام می رسد. در گذشته سادات ضیاء آباد هنگام شیوع بیماری هایی چون وبا و طاعون محل پناه اهالی بودند.

او از کودکی در امور کشاورزی به پدر و مادرش کمک می کرد و در همان دوران در کنار پدرش قرآن و خواندن و نوشتن را آموخت. او در همراهی با پدر و حضور در مجالس مذهبی با فضایی معنوی و مجالس امام حسین علیه السلام آشنا می شد. ایشان در خاطراتشان از مجالسی که در زمان ممنوعیت روضه خوانی در دوران رضا خان به صورت شبانه و در منزل برخی اشخاص برگزار میشد یاد می کنند.

او بعد از شهریور ماه سال ۱۳۲۰ با تشویق پدر و مادرش به قزوین رفت تا علوم دینی را بیاموزد. او در مدرسه التفتیه سکونت کرد، و مقدمات را نزد استاد برجسته آقا شیخ یحیی مفیدی فرا گرفت. شیخ یحیی از شاگردان آیات عظام حائری، نائینی و عراقی بود. آقامیرزا عبدالرحیم سامت قزوینی نیز از دیگر اساتید سید محمد بود که معالم و قوانین را نزد وی آموخت و شرح لمعه، رسائل، مکاسب و منظومه سبزواری را در محضر میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی که در آن روزگار در قزوین به سر می برد، فرا گرفت.

ایشان در سال ۱۳۲۸ و پس از مدتی اقامت در حوزه علمیه قزوین، به حوزه علمیه قم رفت و مدت ۱۲ سال را از حضور اساتیدی همچون آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبائی، آیت الله سیدی اصفهانی بهره برد. او همچنین دروس خارج فقه را نزد آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی، امام خمینی (س) و علامه طباطبائی فرا گرفت.

ایشان از زمانی که در حوزه علمیه قزوین حضور داشت، هر کتابی را که فرامیگرفت، برای طلاب مراحل پایین تر تدریس می کرد و زمانی که به قم عزیمت کرد نیز بارها کتب معالم، قوانین و لمعه را برای طلاب و فضلا در یکی از اتاق های صحن نو یا در مدرس زیر کتابخانه مدرسه فاضیه تدریس می کرد.

پس از رحلت آیت الله بروجردی، در سال ۱۳۴۰ ایشان به تهران هجرت کرد و بیش از ۴۰ سال در این شهر خدمات علمی و فرهنگی ارائه نمود. از جمله این که به دعوت آیت الله حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی برای طلاب مدرسه تحت مدیریتش علوم چون مطول، معالم، لمعتین، رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را تدریس می کرد. ایشان همچنین از چهره های ارزشمند و مفسران بزرگ شیعه است.

ایشان از همان زمان تا پایان حیات استاد حوزه علمیه تهران بودند، و جلسات تفسیر و اخلاقشان در مسجد علی بن الحسین علیه السلام برگزار میشد.

آیت الله ضیاء آبادی با مبانی اسلامی و قرآنی آشنا بود و با توجه به توان بالای علمی و معنوی و همچنین شناخت مسائل روز و قدرت بیان بالا در مناظر و جلسات درخشید، تا جایی که از وعاظ ممتاز کشور به شمار می آمد، و از آنجا سخنرانی های ایشان با چاشنی مطالب آموزنده قرآن و روایات همراه بود، مشتاقان زیادی داشت. اخلاص، تواضع، عمل به گفتار، متانت و شیوایی سخن، و بهره گیری از ظرافت های اخلاقی و قرآنی از ویژگی های است که جلسات آیت الله ضیاء آبادی را به یکی از پر مخاطب ترین جلسات کشور تبدیل کرده بود.



ایشان در جلساتی تحت عنوان «لقاء الله» با استفاده از آیات قرآن و روایات با دلایل منطقی مراحل سیر انسان از خاک تا افلاک را تشریح می کردند که مباحث این جلسات در جداول مجموعه گفتار و عاظ و دانشمندان شهریر منتشر شده است. مجموعه سخنرانی های دیگر ایشان نیز با عنوان «تلازم بین قرآن و عترت» در خصوص تفسیر حدیث شریف ثقلین و حقانیت باورهای شیعه با توجه به منابع عامه در این کتاب آمده است.

فهرست تالیفات

- ۱- امامت
- ۲- بیان قرآن: این کتاب شامل بخشی از تفسیر سوره قیامت است و به این پرسش پاسخ می دهد که: «یا اهل بیت علیه السلام و قرآن مبین همدیگرند؟»
- ۳- تفسیر سوره انفال
- ۴- تفسیر سوره یونس
- ۵- تفسیر سوره توبه (جلد ۲)
- ۶- تفسیر سوره یوسف
- ۷- توسل: نویسنده درباره توسل و معنا و مفهوم واقعی آن سخن گفته و این کتاب به پاسخ شبهات و هابیت که توسل را شرک می دانند، اختصاص دارد. وی درباره توسل تکوینی و ارتباط توحید و توسل و شرک، به تفصیل سخن می گوید.
- ۸- شب مردان خدا: آداب و فضیلت نماز شب.
- ۹- موعظه باره پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان.
- ۱۰- شرح و تفسیر دعای توبه از صحیفه سجاده.

اما جلسات اخلاقی آیت الله ضیاء آبادی

در سال های آغازین دهه هشتاد وقتی از محضر مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی در خواست معرفی استاد اخلاق نمودم، و خودشان نیز به علت کسالت و بیماری جلساتشان کمتر برگزار می شد، ایشان توصیه نمودند که از محضر آیت الله ضیاء آبادی بهره ببریم.

آشنایی و بهره از محضر این عالم عامل، هدیه ای بود از سوی مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی که این حقیر و سایر دوستان را به این عالم بزرگوار راجع دادند، و آن زمان که هنوز مشهوریت عمومی ایشان نداشتند، توفیق یار شد که دوشنبه ها از محضرشان بهره ببریم. هر چند از قبل از انقلاب و دوران طاغوت، کرسی مباحث مواعظ و آثار مکتوب ایشان چراغ راهی اهل معنویت و معرفت بود. جلسات ایشان هر دوشنبه در مسجد علی بن الحسین (ع) دریندر در شمال تهران برگزار می شد و با وجود بعد مسافت هر هفته شاهد حضور جمعیت زیادی از اقصی نقاط تهران و حتی شهرهای اطراف بودیم که با اینکه آن زمان هنوز مترو و تریش راه اندازی نشده بود، اما مشتاقان زیادی به این مکان می آمدند تا از محضر این عالم عامل ره توشه ای کسب کنند.

ایشان انس عجیب و خاصی به قرآن داشتند و همیشه منبرهای و کرسی درس اخلاقی ایشان بر گرفته از آیات نورانی قرآن بود، تا جایی که حتی مبحث درس اخلاق را هم با استناد به آیاتی از قرآن شرح و توضیح می دادند. و این جلسات درس اخلاق نور بود و هدایت و واقعا آیت الله ضیاء آبادی مصباح هدایتی بودند که با استفاده و استناد به آیات و روایات چراغ هدایت بخش، قلوب بودند. هر چند ایشان مفسر قرآن نیز بودند، اما فرقی مهمی که با دیگر مفسرین داشتند این بود که بسیار روان و قابل فهم برای عموم، آیات را تفسیر می نمودند و آن هم در همین جلسات اخلاقی که گاهی تبدیل به جلسات تفسیری می شد، این مباحث تفسیری مطرح شد که سپس توسط بنیاد خیریه الزهرا (س) تحت نظر ایشان به صورت مکتوب چاپ شد که مورد استقبال عموم خصوصا اهل علم قرار گرفت. و نکته دیگر اینکه این دوستان زحمت می کشیدند این جلسات را به صورت جزوه برای هفته بعد در تیراژ فرلوان و رایگان چاپ و توزیع می کردند که با مرور این جزوه بهتر و

دقیق تر به مبحث جلسه قبل اشراف پیدا می کردیم.

از آنجایی که محوریت مباحث ایشان حتی در درس اخلاق، با محوریت قرآن و روایات بود این پیوند نور علی نور باعث شده بود که کلام ایشان بر عمق جان مستمع تأثیر فوق العاده ای بگذارد و خود نیز عامل به سخنانشان بودند، این کلام بر روح و جان انسان تأثیر عمیقی می گذاشت، تا جایی که در دل ها یک انقلاب درونی و بیداری روحی ایجاد می کرد و زنگار دل را می شست و روح را صیقل می داد، و انسان را آماده پذیرش حق و سیر الی الله می نمود. به حدی کلام ایشان نافذ بود که تا جلسه بعدی مستمع در مراقبه اعمال بود که خطایی از او سر نزنند و به دوشنبه و جلسه بعدی برسد تا توشه ای جدید کسب کند. کمتر کسی از مستمعین این جلسات را می توان یافت که این تأثیر کلام بر وی وجود نداشته باشد و آثار کلامی بر وی تأثیر نگذاشته باشد.

علاوه بر جلسات اخلاق و تفسیر قرآن، ایشان توصیه زیادی به کمک به مردم و دستگیری از نیازمندان داشتند که در همین راستا با کمک برخی خیرین خیریه ای تحت نظر ایشان تشکیل شده بود که به نیازمندان کمک می شد و همچنین آثار مکتوب ایشان نیز با قیمتی بسیار مختصر توسط نیکوکاران چاپ و توزیع می شد.

نکته دیگر اینکه، در یکی از جلسات هفتگی، ایشان سوگوار از دست دادن فرزندشان بودند و ما احساس کردیم که ایشان این هفته جلسه را برگزار نمی کنند، اما به یاد دارم که ایشان جلسه را تعطیل نکردند و به ایراد سخن پرداختند، به حدی که در چهره نورانی ایشان این داغ و سوگ فرزند به خاطر ارتباط معنوی با خدای خویش، اصلا تأثیری نگذاشته بود که جلسه را تعطیل کنند.

از دیگر توصیه های ایشان، تأکید بر شناخت مسائل اعتقادی و احکام بود، که به علت ضرورت این موضوع همیشه در ابتدای جلسه به ذکر مختصری از احکام مهم روز می پرداختند.

و امروز در پایانی روزهای دهه نود سوگوار از دست دادن چنین عالم عملی و مردمی هستیم که حیات ایشان بر کتی عظیم برای تهران بود و ایشان یکی از ستون های معنوی و دینی این شهر بودند که باز دست دادن این عالم ربانی می توان گفت که تهران از نظر معنوی فقیر شد.

در این سالهای دهه نود و حتی قبل از آن تهران نور و برکت خود را از حضور و نفس پاک بزرگانی همچون مرحوم آیت الله حاج آقا مرتضی و حاج آقا مجتبی تهرانی، آیت الله مجتهدی تهرانی، آیت الله خوشوقت گرفته بود که ستون های نورانی و معنوی این شهر بودند و امروز نیز با آسمانی شدن آیت الله ضیاء آبادی، تهران از حضور و نفس چنین عالمانی خالی و فقیر شد. (به نقل از امیر محسن سلطان احمدی)

آیت الله ضیاء آبادی در ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ به علت ابتلا به ویروس کرونا در ۹۲ سالگی دعوت حق را لبیک گفت.

طلای سیاه

یادداشتی بر ملی شدن صنعت نفت

امیرحسین آذری | کارشناسی علوم سیاسی

سرزمین ایران از دیرباز به دلیل وجود سابقه ای عظیم و کهن تاریخی تمدنی و وجود مردمانی با فرهنگ و سلحشور همواره مورد توجه و گاه تعرض و دشمنی دیگر ملت ها بود.

همه این ها با رسیدن تاریخ به انقلاب صنعتی و بعد از آن حرکت جوامع به سوی پیشرفت صنعتی نیاز مبرم انرژی در بشر از پیش شدت یافت از همین جهت کشورهای که در حال صنعتی شدن بودن و کارخانه هایشان همراه و دوشیفت در حال کار بودن نیاز به مواد اولیه و انرژی داشتند و از آنجا که منابع موجودی خودشان ناکافی بود روی به تجاوز و استعمار و استثمار آوردن.

پس آن که بشر به آن پی برد که نفت از ذغال سنگ کاربرد و مزیت بیش تری دارد برای تولید انرژی دست به اکتشافات در این زمینه زد. اولین چاه اکتشافی مدرن نفت در سال ۱۷۴۵ در فرانسه و اولین چاه استخراج نفت توسط کلنل دریک در سال ۱۸۵۹ در پنسیلوانیا حفاری شد. البته خیلی پیش تر از آن اقوام متمدن دوران باستان، به ویژه سومری ها، آشوری ها و بابلی ها، در حدود چهار هزار و پانصد سال پیش در سرزمین بین النهرین (عراق امروزی) با برخی از مواد نفتی که از دریاچه قیر به دست می آمد، آشنایی داشتند. آنان از خود قیر به عنوان ماده غیر قابل نفوذ برای عایق کاری کشتی ها استفاده می کردند. در قرون وسطی دانشمندان مسلمان با تولید نفت سفید و نفت ضروری از آن برای چراغ ها استفاده کردند و خیابان ها و حمام های شهر بغداد به وسیله قیر و ماسه پوشانده می شد.

اهمیت استراتژیک

به عنوان یک کالای تجاری با استراتژی های ملی و سیاست و قدرت جهانی عجین شده است. میدان های جنگ اول جهانی اهمیت نفت را به عنوان یکی از عناصر قدرت ملی هنگامی به اثبات رساند که اتومبیل مجهز به موتورهای درون سوز بر اسب و لکوموتیو بخاری سبقت گرفت. امروزه مواد خام به عنوان یکی از ابزارهای اعمال فشار در سیاست خارجی به کار گرفته می شود. زمانی در اثنای جنگ جهانی اول، کلمانسو گفته بود که (هر یک قطره نفت ارزش یک قطره خون سرباز ما را دارد) در همین راستا، کشورهای قدرتمندی چون انگلیس، فرانسه و آمریکا با به کارگیری دیپلماسی نفت در صدد نفوذ و کنترل بر مناطق نفت خیز بودند. این نمونه از سیاست ها زمینه تعارضات و تنش هایی را در پیوند با نفت، بویژه در پی جنگ دوم جهانی، بوجود آورد.

با توجه به اینکه مالک نفت بودن در جهان امروز

به معنای تأمین و کسب سرمایه نیز می باشد. ارزش و اهمیت نفت، هم به عنوان یک منبع انرژی و هم یک منبع تأمین سرمایه مقام والا و بالایی پیدا می کند.

از لحاظ تأمین سرمایه باید نکته اشاره شود که تجارت نفت خام از نظر ارزش پولی، ۱۰٪ از مجموع تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است که در مقایسه با کالاهای تجاری دیگر مثل گندم با ۳ تا ۴ درصد سهم از کل تجارت جهانی اهمیت آن در تأمین سرمایه برای کشورهای دارای نفت و در جهت رشد اقتصادی بیشتر نمایان می شود. امروزه بیش از ۷۰٪ از انرژی مورد نیاز انسان را نفت و گاز و ۱۵ تا ۲۵ درصد آن را ذغال سنگ و حدود ۱۰٪ آن را از طریق برق و اتم تأمین می کنند. برای تولید برق نیز باید از انرژی های حاصل از نفت، گاز، آب و یا اتم استفاده شود. انرژی های حاصل از نیروی برق اتم و ذغال سنگ معمولاً فقط به انرژی های حرارتی و گرمایی و مکانیکی تبدیل می شوند، حال آنکه نفت به علت کاربرد وسیعی که در صنایع مختلف دارد، علاوه بر تأمین انرژی های حرارتی و مکانیکی، قابل تبدیل به فرآورده های مختلف شیمیایی و قابل استفاده در شیمی و صنعتی نیز می باشد. به همین سبب الگوی مصرف انرژی در قرن بیستم در جهت استفاده و مصرف بیشتر از نفت دگر یجا و دائماً تغییر پیدا کرده است. اوپک با بودن بیش از ۵۷٪ ذخائر جهان و عمر تولید، ۹۰ ساله، بالقوه می تواند سهم قدرتمندی در سیاست های جهانی انرژی داشته باشد. نفت کالای استراتژیک است و تحریم یا کاهش آن ابزاری برنده و کارا می باشد اینک آپک می تواند از قدرت بالقوه ذخائر نفت خود بهره جسته و با تجمع گروهی از کشورهای هم جهت تبدیل به یک قدرت و عامل بازدارنده سیاسی شود.

اولین بار در سال ۱۹۰۱/م/ ۱۲۸۰ش [امتیاز بهره برداری از نفت ایران به یکی از اتباع انگلیسی به نام دارسی واگذار شد. این امتیاز که به قرارداد دارسی معروف است در اوایل کار از سوی طرفین قرارداد چندان جدی تلقی نشد و حتی پس از چند سال که از اقدامات بی نتیجه اکتشافی آن می گذشت امتیاز داران در صدد برآمدند از ادامه کار صرف نظر کنند. اما بر اثر مساعدت و جسارت برخی از مدیران و مهندسان دارسی، پس از تلاش های گسترده سرانجام در سال ۱۹۰۸/م/ ۱۲۸۷ش در منطقه مسجد سلیمان یکی از چاه ها به نفت رسید و این آغاز تحولی جدید در عرصه سیاسی، اقتصادی ایران و حتی جهان شد. پس از آن صاحبان امتیاز با قاطعیت بیشتری عملیات اکتشافی خود را ادامه دادند و با کشفیات جدید نفت سرمایه گذاری های گسترده تری در این باره ضرورت یافت.

ایران هنگامی اهمیت بیشتری پیدا کرد که دولت انگلستان در پی محاسبات کارشناسان اقتصادی-سیاسی این کشور در صدد برآمد به طور مستقیم تری در این پروژه عظیم مشارکت نماید و آن خرید سهام دارسی بود این هدف تا جنگ جهانی اول حاصل شد و پس از آن دولت انگلستان خود مالک بی رقیب منابع نفتی عظیم ایران در بخش های جنوب و جنوب شرقی شد

بدین ترتیب از موضع مخالفت آمیز کشورهای ذی علاقه به نفت ایران نسبت به قرارداد جدید دارسی در سال ۱۳۱۲ش/ ۱۹۳۳م که بگذریم اعتراضات و مخالفت های محافل داخلی در بستر جدیدتری شکل گرفت. اما با توجه به جوسرکوب و خفقان آوری که بر ایران عصر رضاشاه حاکم بود این مخالفت های داخلی مجال چندانی برای ابراز نیافت

بدین ترتیب این روند که بیشتر به نوعی آتش زیر خاکستر شباهت داشت تا پایان سلطنت رضاشاه تداوم یافت و دقیقاً پس از عزل وی از سلطنت و جانشینی فرزندش محمدرضا پهلوی بود که آن خشم درونی نجات یافته از جو خشونت آمیز پیشین به ناگهان شعله ور شد و برنامه های گوناگون حکومت پیشین را به باد انتقاد گرفت که از مهم ترین این موارد مخالفت با فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس و غارت ثروت طبیعی کشور توسط دولت انگلستان بود

با این حال تا هنگامی که نیروهای اشغالگر متفقین و در رأس آن ها انگلستان در ایران حضور داشتند مخالفت های داخلی چندان تزلزلی در فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس در حوزه های نفتی جنوب ایجاد نکرد.

پس از سقوط رضاشاه، مجلس شورای ملی از

به اکتشاف و استخراج و فروش منابع نفتی ایران، بدون هیچ الزامی به ارائه صورت عملکرد به دولت ایران، ادامه می‌داد. مدت قرارداد ۶۰ سال تعیین شد. و سرانجام پس از سالیانه متعدد به تاراج رفتن سرمایه‌ای به نام نفت در قانون ملی شدن صنعت نفت در ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ به مجلس ارائه شد و در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی تصویب گردید.

اما حقیقتی بسیار که اگر در یک جمله بخواهم بگویم تمام این زحمات که توسط بدنه نخبگانی جامعه شامل علما و اندیشمندان سیاسی گرفته شد با کودتای ۲۸ مرداد به هیچ تبدیل شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، نخست‌وزیر جدید، فضل‌الله زاهدی روابط با دولت انگلیس را که در زمان مصدق قطع شده بود از سر گرفت. مذاکرات نفت از ۲۲ فروردین ۱۳۳۳ با سرپرستی وزیر اقتصاد و دارایی، دکتر علی امینی آغاز شد که منجر به قرارداد کنسرسیوم یا قرارداد امینی - پیچ گردید. دکتر علی امینی وزیر دارایی پیشین دولت مصدق نیز بود. محمد درخشش نماینده تهران در دوره هجدهم مجلس شورای ملی در مخالفت با قرارداد کنسرسیوم سخنرانی کرد. بر اساس قرارداد جدید که پس از ماه‌ها مذاکره در ۲۸ شهریور، به امضای طرفین و در ۲۹ مهر به تأیید مجلس شورای ملی و در ۶ آبان به تصویب مجلس سنا رسید، اگر چه ملی شدن نفت و صنایع نفت ایران مورد پذیرش طرف‌های خارجی قرار گرفت، ولی دولت ایران تضمین می‌کرد که تا ۲۵ سال، نفت تولیدی را به شرکت‌های عضو کنسرسیوم (آمریکایی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی) بفروشد. به این ترتیب، فروش نفت ایران پس از نزدیک به چهار سال وقفه، در بهمن سال ۱۳۳۳ از سر گرفته شد.

اندکی تخفیف حاصل آید. با توجه به موضع گیری هر یک از این جناح‌ها و احزاب در مجلس می‌شد ارزیابی کرد که ائتلاف گروه‌های استقلال‌خواه با طرفداران شوروی و مدافعان تز ورود قدرت ثالث آمریکا به ایران، برای مقابله با انگلستان چندان دور از ذهن نمی‌نماید. بدین ترتیب به نظر می‌رسید ائتلافی، هر چند بدون هماهنگی و نامتعارف، ضد انگلستان در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران در حال شکل‌گیری است. در چنین شرایطی بود که به ویژه مجلس شورای ملی طی سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۷ قوانینی در جلوگیری از واگذاری امتیازات نفتی به کشورهای خارجی تصویب کرد و در همان حال دولت انگلستان که به درستی بر این باور قرار گرفته بود که منافع البته نامشروع و عظیم نفتی‌اش در جنوب و غرب ایران با خطرهای جدی مواجه شده‌است، در صدد چاره‌جویی برآمد. قرارداد الحاقی نفت که اندکی بعد با نام قرارداد گس - گلشائیان هم مشهور شد. مهم‌ترین طرح‌های بریتانیا برای حفظ و تحکیم موقعیتش در سرپل‌های عظیم نفتی ایران در جنوب و غرب کشور بود.

قرارداد ۱۹۳۳، یا قرارداد ۱۳۱۲ خورشیدی، قراردادی بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس بود که در دوره رضاشاه پس از لغای قرارداد داریسی و عملاً برای تمدید مدت آن قرارداد منعقد شد.

شخص رضاشاه پس از مذاکره با سر جان کدمن، رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس، و هور سفیر بریتانیا در ایران این قرارداد را قبول کرد و مقامات دولت را وادار به تصویب آن کرد. مجلس شورای ملی نیز به اتفاق آرا آن را تصویب کرد.

در این قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس همچنان

شکل فرمایشی بیشین فاصله گرفته بود و تا حدی آزادی عمل داشت.

نمایندگان آرایش یکدستی نداشتند گروهی بدون وابستگی به کشورهای خارجی گرایش‌های صرف استقلال‌خواهی و وطن پرستانه را دنبال می‌کردند. گروهی از سیاست‌های شوروی در ایران پشتیبانی می‌کردند. گروه سوم به سیاست انگلیس گرایش داشتند و از اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی این کشور در ایران پشتیبانی می‌نمودند. با این حال هیچ یک از گروه‌های سه‌گانه اخیر برتری قاطعی در مجلس نداشت و در صورت ائتلاف دو گروه ضد دیگری آرایش و تعادل نیروها به هم می‌خورد. غیر از این گروه‌ها عده‌ای نیز هر چند گرایش‌های استقلال‌خواهی داشتند اما جهت‌کاستن از نفوذ قدرت‌های خارجی بالاخص شوروی و انگلیس بی‌میل نبودند که پای قدرت دیگری مانند آمریکا نیز به میان کشیده شود تا در فشارهای این دو قدرت بر شئون مختلف کشور

منابع:

- (۱) کتاب ۵۰ سال نفت ایران، مصطفی فاتح، انتشارات نشر علم ۱۳۸۴
- (۲) کتاب نفحات نفت، رضا امیرخانی، انتشارات افق
- (۳) کتاب اقتصاد تحریم نفت (جدال بر سر تجربه مصدق)
- (۴) کامران دادخواه، انتشارات: دنیایی اقتصاد
- (۵) کتاب نفت ایران، دکتر ایچ ذوقی، نشر دانش پرور
- (۶) کتاب کودتا پروانده ابراهامیان و ترجمه محمد ابراهیم، نشر نی.
- (۷) کتاب تاریخ ایران مدرن، پروانده ابراهامیان، نشر نی
- (۸) اسناد سازمان سیاه باره کودتای ۲۸ مرداد

10) <http://ensani.ir/fa>

O F O G H T A H L I L . I R



مجله خبری تبیینی افق تحلیل

